بازجویی

سعید سیاه

امیرحسین جان
پلیس در جریان به قتل رسیدن یک جوان معروف به سعید سیاه، که در نزاع خیابانی از پا در آمده بود پسری به نام حمید را مجرم شناخت و دستگیر کرد.
حمید با انتقال به پلیس آگاهی هنوز پای میز بازجویی ننشسته بود که برادر بزرگترش با معرفی خود به پلیس جنایی ادعا کرد در جریان نزاع او با چاقو سعید سیاه را کشته است.
افسر پرونده با یک معما روبه رو شده بود با وجود مدارکی که نشان می داد حمید قاتل است برادر دانشجوی وی را تحت بازجویی قرار داد و این در حالی بود که به دلیل تاریکی شب شاهدی برای شناسایی قاتل نبود.

■ **بگو ببینم چرا دست به قتل زدی؟**
در خیابان راه می رفتم سعید سیاه به من گیر داد او چند باری هم به خاطر عینکی بودن من با متلک گویی مسخره ام کرده بود این بار من برای یکی از درس هایم تیغ موکت بری خریده بودم وقتی مسخره ام کرد به سمتش حمله کردم و چند ضربه به او زدم.

■ **چرا بعضی ها می گویند قاتل برادرت است؟**
حمید اصلا این کاره نیست، اون حتی نمی تونه به یه مورچه آزار برسونه چه برسه به این که سعید سیاه رو به قتل برسونه، اون از یه بچه می ترسه چه جوری بیاد آدم بکشه!

■ **یعنی تو نمی ترسی؟**
نه، چرا بترسم به ویژه این که اون شب یک تیغ موکت بری دستم بود و جرئتم بیشتر شده بود.

■ **سعید سیاه را از کی می شناسی؟**
از دو سال پیش، حتی یک بار منو کتک زد که من به خاطر این که فکر نکنند بچه ننه ام نرفتم شکایت کنم.

■ **داداشت چیز دیگه ای می گوید.**
اون بچگی می کنه! چرا باید دروغ بگه خب حق داره می خواد مثلا ایثار گری کنه اما من نمی خوام تا آخر عمرم با عذاب وجدان زندگی کنم از وقتی شنیدم سعید سیاه مرده دارم ذره ذره می میرم.

■ **فکر می کنی چرا او تو را مسخره می کرد؟**
نمی دانم، عقده ای بود، چون به خاطر رنگ پوستش به او می گفتند سعید سیاه به خاطر همین اونم فکر می کرد روی من باید اسم بذاره و مسخره ام بکنه.

■ **رنگ پوستش؟**
آره، اون چون بچه جنوب بود پوستش سیاه بود به خاطر همین به سعید سیاه معروف بود.

■ **از کجا می دانستی بچه جنوب بود؟**
مطمئن نیستم، بچه ها به من می گفتند که سعید سیاه بچه جنوب است.

■ **بازپرس نگاهی به چهره مضطرب جوان دانشجو انداخت، عکس پسر جوانی را از کشو بیرون آورد و با نشان دادن آن به متهم پرسید: این جوان از دوستان توست؟**
خیر، تا حالا ندیدمش ممکنه از دوستای خود سعید سیاه باشه چطور مگه؟!

■ **تا حالا اصلا توی محله خودتون ندیدینش؟**
خیر اصلا ندیدم، چطور!

■ **می گن این پسر هم تو دعوا بوده؟**
من ندیدم، خیلی ها از سعید سیاه بدشون می آمد، ممکنه بعد از این که من فرار کردم این پسر هم آمده و دق دلی اش را خالی کرده، راستی این عکس چه جوری به دست شما افتاده؟!

■ **یک کیف جیبی توی محل قتل بود که این عکس اون جا بود گفتم ممکنه برای همدست تو باشد؟**
من همدستی نداشتم و خودم تنها بودم.

■ **پس تو قبول داری سعید سیاه را کشتی؟**
بله، قبول دارم و می خواهم برادرم آزاد بشه.
بازپرس رو به یکی از ماموران کرد و از او خواست حمید را از بازداشتگاه پیش برادرش بیاورند. وقتی حمید رو در روی برادر بزرگ ترش نشست جوان دانشجو تصور می کرد نقش خودش را خوب بازی کرده است.

■ **بازپرس عکسی را که در دستش داشت گذاشت روی میز و از حمید خواست اگر صاحب عکس را می شناسد مشخصات او را بگوید؟**
حمید: این عکس متعلق به سعید سیاه است که من او را کشتم.
برادر قاتل، هاج و واج مانده بود، صاحب عکس یک پسر باپوستی روشن و چشمان درشت و سیاهی بود.
بازپرس با دستانش به شانه های جوان دانشجو زد و گفت: برخلاف تصور تو سعید سیاه برای پوستش معروف نشده بود، او به خاطر چشمانش به سعید سیاه لقب پیدا کرده بود و تو حالا برخلاف حمید که توی کوچه با جوان ها می پره به خاطر تحصیل اصلا بچه محل های خودت را نمی شناسی.

■ **حالا حمید تو رو در روی برادرت بگو چرا سعید سیاه را کشتی؟**
من و او ن سر بازی فوتبال کینه به دل داشتیم، سعید سیاه بچه بدی نبود، اما آن روز من و او از دنده چپ بیدار شده بودیم و وقتی با هم درگیر شدیم تک و تنها بودیم و اصلا باور نمی کنم او را کشته ام. وقتی برادر قاتل به سمت در خروجی قدم برداشت حمید با دستبند به سمت او رفت و خودش را در آغوش برادر انداخت و دقایقی غم و ماتم در فضای پلیس آگاهی نشاند.

ماجرای دزدی های شبانه جوان موتور سوار

پسر جوان که مدعی است برای درمان بیماری مادرش نیاز به پول داشت شب ها سوار بر موتور در خیابان های تهران پرسه می زد و سناریوی سرقت لوازم داخل خودرو را به اجرا می گذاشت. چندی قبل ماموران پلیس تهران در جریان سرقت های سریالی لوازم داخل خودرو در غرب تهران قرار گرفتند و تیمی از ماموران ماموریت یافتند تا دزد شب رو را شناسایی کنند. ارآگاهان در گام نخست به محل های سرقت رفتند و در بررسی های فنی مشخص شد که سارق به سراغ خودروهای پراید و پژو که سیستم دزدگیر ندارد می رود و با تخریب شیشه ها دست به سرقت می زند. ردیابی ها ادامه داشت تا این که سرقت ها مدتی متوقف شد و کار برای دستگیری سارق حرفه ای سخت شد و جالب این که دزد شب رو در محل هایی سرقت هایش را به اجرا می گذاشت که هیچ دوربین مداربسته ای نصب نشده بود. تجسس ها به بن بست رسیده بود اما ماموران کاوشگری های علمی و فنی را در دستور کار خود قرار دادند که بعد از مدتی مشخص شد سارق شب رو بار دیگر دست به کار شده اما در نقطه ای دیگر از پایتخت دزدی می کند.

■ **گشت پلیسی**
ماموران در این مرحله گشت زنی های نامحسوس را در دستور کار خود قرار دادند و در محل هایی که سرقت ها شروع شده بود به صورت نامحسوس محل را تحت نظر قرار دادند. اوایل شهریور ماه بود که ماموران در تاریکی شب به جوان موتور سواری که با چراغ های خاموش و به صورت خلاص وارد یک کوچه شد مشکوک شدند و جوان موتور سوار به صورت نامحسوس تحت نظر قرار گرفت. جوان موتور سوار در کنار یک خودروی پراید توقف کرد و با بررسی اطراف خودیک پیچ گوشتی از جیبش بیرون آورد و روی لبه شیشه پراید گذاشت و با تکان دادن پیچ گوشتی اقدام به شکستن شیشه و در ادامه در خودرو را باز کرد و وقتی سوار بر خودروی پراید شد تا لوازم با ارزش داخل خودرو را سرقت کند چراغ های گردون پلیس روشن شد و ماموران خیلی زود خودرا بالای سر دزد شب رو رساندند. حسن فرصتی برای فرار نداشت و داخل پراید دستبند پلیس روی دستانش زده شد و در حالی که سوار بر خودروی پلیس اشک می ریخت به ماموران گفت: سرقت ها را قبول دارم و برای این که به پول نیاز داشتم دست به این سرقت ها زدم. حسن ۲۸ ساله که یک سارق تازه کار است مدعی است به خاطر درمان بیماری مادرم به پول نیاز داشتم و چون هیچ کسی نبود به من کمک کند مجبور شدم دزدی کنم.

■ **سابقه داری؟**
نه، در این سال ها سالم زندگی کردم و با همه شرایط ساختم و به خلاف فکر نکردم اما دیگر مجبور شدم.

■ **چه اجباری؟**
مادرم بیمار است و نیاز به پول دارم.

■ **دیگر اعضای خانواده ات کمک نمی کنند؟**
هم اجاره خانه مان عقب افتاده بود به هر کاری فکر کردم حتی حاضر بودم کلیه ام را هم بفروشم اما دیدم شرایط خوبی نیست و کسی نیست از مادرم مراقبت کند به همین دلیل به فکر دزدی افتادم تا خیلی زود به پول دسترسی پیدا کنم.

■ **شیوه و شگرد؟**
شیوه خاصی نبود، با یک پیچ گوشتی شیشه خودروها را تخریب می کردم و سپس با باز کردن قفل درها، سوار خودروها می شدم و وسایل با ارزش را سرقت می کردم.

■ **نمی ترسیدی دستگیر شوی؟**
می ترسیدم اما هیچ راه دیگری نداشتم که بتوانم کمک کنم.

■ **شغل؟**
در یک مغازه کارگری می کنم و با حقوق یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان نمی توانستم هزینه ها را بپردازم.

■ **یک مدت دست از سرقت برداشتی؟**
بله، یک مدت دزدی کردم و توانستم پول خوبی به دست بیاورم به همین خاطر دیگر به سرقت هایم ادامه ندادم اما پس از مدتی دوباره پول لازم شد و سرقت هایم را شروع کردم.

■ **قصد داشتی تا کی دزدی کنی؟**
همیشه به اندازه نیازم دزدی می کردم.

■ **از بهزیستی درخواست کمک نکردی؟**
مگر چقدر پول می دهند، باور کنید آن قدر کم بود که نمی توانستم با آن کاری کنم.

■ **آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟**
نمی دانم، به تنها موضوعی که فکر می کنم مادرم است که نگران او هستم و نمی دانم تنهایی چطور می خواهد خودش را نجات دهد.

■ **حرف آخر؟**
آرزو می کنم هیچ وقت، کسی شرایط مرا نداشته باشد و امیدوارم برادران مادرم متوجه ماجرا شوند و به مادرم کمک کنند.

■ **تحلیل کارشناسی**

رابطه فقر و انحرافات اجتماعی

دکتر مجید ابهری آسیب شناس اجتماعی
فقر، مشکلات مالی و نابرابری های اقتصادی از جمله مهم ترین معضلات جامعه به شمار می رود که از نگاه جامعه شناختی قابل بحث و بررسی است. فقر از بنیادی ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی هر فردی محسوب می شود که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی امروزی میزان آن نه تنها کاهش نیافته بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش نیز است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نیست بلکه مشکلات این مسئله اجتماعی زمانی شدت می یابد که آن بستر ساز انحرافات می شود. ارتباط بین فقر و انحرافات اجتماعی مانند بزهکاری، سرقت و...، موضوع جدیدی نیست. جوامع انسانی در طول حیات خود به شکلی، با این دو مقوله درگیر بوده است. ارتباط بین فقرا با سارقان، قاتلان و معتادان در حوزه های مختلف علمی از قبیل علوم اجتماعی، اقتصادی و روان شناسی، موضوع تحقیق و پژوهش های مختلف قرار گرفته است. برای شناخت رابطه فقر و انحرافات اجتماعی به طور منطقی ابتدا باید از تعریف این دو مفهوم آغاز کرد و سپس رابطه آن ها را مورد بررسی قرار داد و در نهایت پیامدهای فقر و تأثیر آن بر انحرافات اجتماعی را بیان کرد. در تعریف فقر باید گفت اختلاف نظر زیاد و اساسی بین محققان وجود دارد که منشأ این اختلاف مبتنی بر، نوع نگرش آن ها راجع به مسئله فقر است. اقتصاددانان بیشتر به زمینه ظهور و نتایج فقر توجه کردند و به ندرت به تحلیل اجتماعی پرداختند. در جامعه شناسی معمولاً دو مفهوم فقر و نابرابری در کنار یکدیگر به کار می روند. این دو مفهوم با این که از نظر معنایی، مستقل از همدیگر هستند، اما به نظر می رسد، کاربرد مستقل ندارند. زیرا از یک سو فقر متأثر از نابرابری در درآمد است و از سوی دیگر نابرابری اقتصادی هم عامل وجود فقر به شمار می رود. در جامعه شناسی فقر معمولاً برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت مطرح می شود. فقر و انحرافات اجتماعی در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است که بیشترین تبیین ها در سطوح خرد انجام شده است. در سطح خرد، کجروی به عنوان یک واقعه و یک رویداد اجتماعی تلقی شده و در آن به خصوصیات و ویژگی های فردی و جزئی حادثه توجه می شود، اما در سطح کلان، رفتارها بر حسب متغیرهای اجتماعی، سیاسی و امثال آن تبیین می شوند و ارتباط پدیده با ساخت های کلان و وسیع جامعه در سطح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مشخص می شود و با نگرشی تام و کلان، ابعاد جزئی تر پدیده هم بررسی می شود. بنابراین افرادی که طعم فقر را بیشتر چشیده باشند و در تنگنا و فشار اقتصادی قرار داشته باشند سریع تر به جرم هایی مانند سرقت روی می آورند.

شوهر عمه قاتل اعدام شد

مرد جوان که به دلیل سرقت طلا دست به قتل زن آشنا زده بود پس از چهار سال پای چوبه دار رفت و اعدام شد. ۲۱ تیر سال ۹۴ بود که ماموران پلیس تهران در جریان قتل زن جوانی به نام زهرا قرار گرفتند و تیمی از ماموران برای تحقیقات پلیسی پای در قتلگاه زن جوان گذاشتند. ماموران پلیس آگاهی تهران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که زن جوان به قتل رسیده و قاتل پس از جنایت دست به سرقت طلاها و وسایل با ارزش داخل خانه زده است. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران به رفتارهای شوهر عمه زهرا مشکوک شدند و سیاوش به عنوان مظنون اصلی پرونده دستگیر شد. سیاوش ابتدا خود را بی گناه می دانست اما وقتی طلاهای زهرا داخل خانه اش پیدا شد به ناچار لب به سخن باز کرد و به قتل زن جوان اعتراف کرد. پس از بازسازی صحنه قتل و صدور کیفرخواست از سوی دادسرای امور جنایی پرونده برای صدور حکم نهایی به دادگاه یک کیفری استان تهران ارجاع شد و در روز دادگاه سیاوش و خانواده اولیای دم در شعبه ۸ دادگاه یک کیفری تهران حاضر شدند.
سیاوش به قتل زهرا اعتراف کرد و گفت: من تنها قصد سرقت طلاهایش را داشتم اما وقتی دیدم زهرا مقاومت می کند برای این که دستم رو نشود به ناچار دست به قتل زدم و حالا پشیمان هستم. بدین ترتیب قاضی دادگاه پس از پایان جلسه همراه قضات مستشار وارد شور شد و حکم اعدام را برای سیاوش صادر کردند و سیاوش پس از سال ها انتظار در دومین چهارشنبه شهریور ماه پای چوبه دار رفت و این مرد در زندان تهران اعدام شد.

دزدیدن سگ ۴۰ میلیون تومانی یک زن در سعادت آباد تهران

زن جوان وقتی سگ گران قیمتش از سوی دزدان خشن به سرقت رفت با حضور در دادسرای امور جنایی تهران ادعا کرد که پسرش را ربوده اند. اوایل هفته گذشته زن جوانی در خیابان های شمال تهران بود که ناگهان خودروی پژو ۴۰۵ نقره ای رنگ جلوی راهش را گرفت و پس از لحظاتی فریادهای کمک زن جوان در خیابان سعادت آباد به گوش رسید. زن جوان به خودروی پژو آویزان بود که خودرو به سرعت حرکت کرد و مردان مرموز با کشاندن زن جوان روی زمین موفق به فرار شدند.

■ **دادسرای جنایی**
زن جوان که روی بدنش آثار کشیده شدن روی زمین نمایان بود با چهره ای آشفته و ناراحت پا در دادسرای امور جنایی تهران گذاشت و از ربوده شدن بچه شش ساله اش به بازپرس جنایی خبر داد. همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شوند و در گام نخست زن جوان هدف تحقیق قرار گرفت.
زن جوان که سولماز نام دارد به ماموران گفت: پسر شش ساله ام را در آغوش گرفته بودم و در خیابان سعادت آباد قدم می زدم که ناگهان خودروی پژوی نقره ای جلوی پایم توقف کرد و مردان غریبه به زور پسرم را از من گرفتند سعی داشتم مانع کارشان شوم که خودروی شان شروع به حرکت کرد و دزدان کیفم را نیز گرفتند و در حالی که روی زمین کشیده می شدم پا به فرار گذاشتند که از درد زیاد کیفم را رها کردم و دزدان خشن، پسر و کیفم را سرقت کردند.

■ **سگ دزدی**
کارآگاهان تحقیقات پلیسی را در گام نخست روی نزدیکان زن جوان آغاز کردند که در این مرحله مشخص شد ماجرای آدم ربایی دروغ بوده و دزدان سگ زن جوان را به سرقت برده اند. زن جوان در این مرحله گفت: من تنها زندگی می کنم و وابستگی زیادی به سگم دارم و چون می خواستم پلیس خیلی زود دزدان سگم را پیدا کنند ادعا کردم که پسرم را ربوده اند. تیم پلیسی در ادامه تحقیقات پی بردند که زن جوان روی سگش یک GPS نصب کرده اما با توجه به سرقت گوشی موبایل زن جوان که GPS به آن وصل بود دزدنی دزدان غیر ممکن شد. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که دزدان سگ گران قیمت که ۴۰ میلیون تومان ارزش دارد از طریق موبایل سولماز توانستند با صاحب سگ تماس بگیرند و برای پس فرستادن سگ درخواست ۲۰ میلیون تومان کردند. سولماز که حاضر بود برای پس گرفتن سگش پول میلیونی را بپردازد با دزدان قرار ملاقات گذاشت که در آخرین لحظه دزدان محل قرار را به محل دیگری منتقل کردند و این روند در چند مرحله ادامه داشت و در نهایت دزدان سگ در محل حاضر نشدند.

■ **دستور بازپرس**
با توجه به سرقت مقرون به آزار دزدان خشن بازپرس پرونده دستور داد تا کارآگاهان صاحب خودروی پژو را ردیابی کنند و همزمان تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران برای دستگیری دزدان خشن وارد عمل شوند.

آگهی تغییرات شرکت واریان
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۸۲
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۳۵۸۱
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای محمود احمدی به کد ملی ۴۵۹۰۹۵۹۰۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل- آقای عبدالحسین چیذری به کد ملی ۰۴۵۲۱۱۶۵۲۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره- آقای بابک طالبی به کد ملی ۰۹۴۱۹۵۹۵۱۱ به سمت رئیس هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب گردیدند و کلیه اوراق واسناد رسمی ، بانکی و تعهدآور شرکت با امضاء مشترک رئیس هیات مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۶۸۸۵۳)
م/۹۸۰۷۹۱۶۱

آگهی تغییرات شرکت توس فور جینگ
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۹۲۵
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۵۶۹۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱-اعضای هیئت مدیره عبارتند از آقای مهدی زرین زاده به شماره ملی ۰۹۳۱۹۹۳۱۶۴،آقای مجتبی زرین زاده به شماره ملی ۰۹۴۳۲۴۴۴۰۴،آقای علیرضا زرین زاده به شماره ملی ۰۹۳۳۲۶۴۱۶۱و آقای مصطفی زرین زاده به شماره ملی ۰۹۴۲۴۴۶۷۲۰که برای مدت دو سال انتخاب شدند ۲-روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.
۳- ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به۱۳۹۷/۱۲/۲۹ مورد تصویب مجمع قرار گرفت.
م/۹۸۰۷۹۱۴۶
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۷۴۳۷۵)

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی خوش فرم نور
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۷۲۹
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۳۰۶۵۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱ - ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت .
۲-موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آئین پژوهان ایرانیان به سمت بازرس اصلی و آقای محمد رضا نجار بعنوان بازرس علی البدل تا ۱۳۹۸/۱۲/۲۹ انتخاب گردیدند.
۳-روزنامه خراسان برای آگهی های شرکت انتخاب گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۷۴۳۹۷)
م/۹۸۰۷۹۱۴۵

آگهی تغییرات شرکت توس فور جینگ
شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۹۲۵
و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۵۶۹۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد :
۱-آقای مهدی زرین زاده به شماره ملی ۰۹۳۱۹۹۳۱۶۴ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره ۲-آقای مجتبی زرین راده به شماره ملی ۰۹۴۳۲۴۴۴۰۴ به سمت عضو هیئت مدیره
۳-آقای علیرضا زرین زاده به شماره ملی ۰۹۳۳۲۶۴۱۶۱ به سمت رئیس هیئت مدیره
۴-آقای مصطفی زرین زاده به شماره ملی ۰۹۴۲۴۴۶۷۲۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره.
-کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضاء ثابت مدیر عامل به همراه یک نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۵۷۴۳۷۰)
م/۹۸۰۷۹۱۴۸

آگهی مزایده اموال غیرمنقول کلاسه ۵۱۳/۵ (۸۴۰۰۰۱۴)
بانک اقتصاد نوین به استناد قرارداد بانکی شماره ۹۲۱۴-۸۲/۸/۱۰ اجرائیه ای تحت کلاسه ۵۱۳/۵ (۸۴۰۰۰۱۴) به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال علیه ۱- خانم شهلا پیروز فرزند محمدحسین با شماره ش ۸۵۵ و ۲- اسکندر ناجی حاج بالائی فرزند جهان بخش با شماره ش ۱۱۴۴ و ۳- علی صداقت حسن زاده فرزند اسمعیل با شماره ش ۶۰۸۲۱ و ۴- سیدجواد سالار خراسانی فرزند سید منوچهر با شماره ش ۴۹۰۱۱ صادر کرده و به مدیون در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۸۴ ابلاغ گردیده که پس از طی مراحل قانونی بر حسب تقاضای بستانکار شدندانگ پلاک ثبتی ۲۱۹۷۴ (بیست و یک هزار ، نهصد و هفتاد و چهار) فرعی از ۱۸۲ (صدو هشتاد و دو) اصلی بخش ۱۰ (ده) مشهد ملکی شهلا پیروز به آدرس مشهد بلوار وکیل آباد، وکیل آباد ۹۵ کوچه ۹۵/۱۰، کوچه پنجم سمت چپ، پلاک ۲۸ (نامه مامور جرا: ۹۸/۴۱۹-۵۱۲۶) در قبال مبلغ مبلغ فوق و نیم عشر دولتی بازداشت گردیده است که حدود ومشخصات پلاک ثبتی موصوف بنابر گزارش دفتر املاک به شرح ذیل می باشد : شمالا: بطول ۶.۶۰ متر دیوار به دیوار منزل رضائی از پلاک باقیمانده ۱۸۲ اصلی، شرقا : بطول ۱۶.۸۰ متر دیوار به دیوار منزل عسکری پلاک ۱۹۶۸۰ فرعی، جنوبا : بطول ۶.۶۰ متر درب و دیواریست به کوچه، غربا : بطول ۱۶.۸۰ متردیوار به دیوار منزل افتخاری از پلاک باقیمانده ۱۸۲ اصلی. مشخصات ظاهری برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری به این شرح است: ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۰.۸۸ مترمربع مسکونی به پلاک ثبتی شماره ۲۱۹۷۴ فرعی از ۱۸۲ فرعی اصلی مفروز و مجزا شده از فرعی اصلی واقع در بخش ۱۰ مشهد که در حال حاضر اعیان آن در سه طبقه واحد مسکونی و در مجموع به مساحت حدود ۲۵۰ مترمربع احداث گردیده است. هر واحد مسکونی شامل هال و پذیرایی و دو اتاق خواب و آشپزخانه این و سرویس بهداشتی توالت و حمام بوده و کل ملک دارای یکسری امتیازات و انشعابات آب و گاز و برق مستقل است. اسکلت ساختمان نیمه فلزی و نمای خارجی اعیان بلوکه سفالی بدون پوشش به همراه پنجره های آهنی و شیشه های تکجداره می باشد. ملک فاقد پایانکار ساختمانی است. توضیحات: در زمان بازدید طبقه اول در تصرف شخص ثالث و طبقه دوم در تصرف مستاجر و طبقه سوم به صورت بدون سکنه بود. ارزیابی ملک با فرض عدم بدهی مالک به مراجع ذیصلاح تهیه شده است و مسئولیت اصالت اسناد با مدارک ابرازی برعهده مالک است. لذا در حال حاضر ارزش ششدانگ ملک موصوف به صورت تخلیه و مشروط به عدم واگذاری به غیر و فارغ از دیونی که ممکن است وجود داشته باشد و با توجه به کلیه سوابق، جوانب امر، موقعیت مکانی، قدمت اعیان، حدود اربعه، شکل هندسی و ممر دسترسی و مصالح بکار رفته، تراکم و کاربری و سایر عوامل موثر در قیمت گذاری و بررسی های میدانی و امتیازات و انشعابات منصوب، در وضع موجود جمعا به مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل یکصد و بیست میلیون تومان ارزیابی و قطعیت یافته است. برابر گزارش مامور اجرا، وضعیت ملک در زمان بازدید: به صورت یک ساختمان در سه طبقه است که طبقه همکف و اول در اختیار و تصرف مستاجر (طبقه همکف ورودی مجزا دارد) و طبقات دیگر از راهروی جنب ملک به طبقات راه دارد و مدیون در محل حضور ندانشت ولی همسر ایشان در طبقه سوم حضور داشت (وارده : ۶۵۹۶-۹۷/۶/۱۵) پلاک موصوف برابر نامه ۹۸/۴/۲۷-۱۳۹۸۸۵۶۰۶۲۷۲۰۰۲۹۳۱ مورخ دفتر بازداشتی ۳ فقره بازداشتی دارد. ششدانگ پلاک ثبتی موصوف جمعا به مبلغ ۱۲۰(صد و بیست) میلیون تومان ریال ارزیابی گردیده و مزایده با توجه به اصل طلب بستانکار و نیم عشر دولتی در قبال ۱۲ (دوازده) سهم مشاع از ۶۰ (شصت) سهم ششدانگ در قبال مبلغ ۲۴۰(دویست و چهل) میلیون ریال برگزار می گردد (نامه مامور اجرا وارده به شماره : ۹۸/۵/۲۶-۷۰۰۵) . مزایده ملک مذکور در قبال مطالبات بستانکار و نیم عشر دولتی در روز شنبه موخه ۶ مهر ۱۳۹۸ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره اجرای اسناد رسمی مشهد واقع در خیابان امام خمینی خیابان ثبت از طریق مزایده به فروش می رسد. چنانچه روز مزایده با تعطیلی مواجه گردد روز بعد مزایده برگزار خواهد شد. مزایده از مبلغ ارزیابی شده شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا واگذار می گردد. حق خراج زاید بر مبلغ مزایده و سایر هزینه های قانونی وصول خواهد شد و سایر هزینه های قانونی نامعلوم از قبیل عوارض شهرداری و بدهی مالیاتی انتقال سند و غیره اعم از اینکه رقم آنها معلوم شده یا نشده بعهده برنده مزایده می باشد (و چون مورد مزایده بصورت مشاعی می باشد) اداره اجرای اسناد رسمی هیچگونه تعهدی در قبال تخلیه و تحویل مورد مزایده ندارد. م الف ۷۳۶-اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۷۹۷۰۶

آگهی تحدیدحدوداختصاصی حوزه ثبتی سبزوار- پیرواگهی تحدیدحدود قبلی که بموجب مقررات ماده۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک برحسب درخواست واصله مستندبه ماده مذکور وماده۶۱ آیین نامه قانون ثبت تحدیدحدود یک قسمت از املاک واقع در بخش ۳ سبزوار حوزه ثبتی این واحد بشرح زیر میباشد:بخش ۳ سبزوار-پلاک۶-اصلی-کلوت- ششدانگ یکباب ساختمان پلاک ۱۸۹۶۸ فرعی-فاطمه جنگجوفرزند صفرعلی-تاریخ تحدید: دوشنبه۱۳۹۸/۰۷/۱۵ ساعت۸صبح انجام خواهدشد. لذابموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میگرددکه درروزوساعت مقرربالادرمحل حضوربهم رسانید. چنانچه هریک ازصاحبان املاک یانماینده قانونی آنهادرموقع مقررحاضرنباشندمطابق ماده۱۵قانون مزبورملک مورداگهی باحدوداظهارشده ازطرف مجاورین تحدیدخواهدشدواعتراضات مجاورین نسبت به حدودوحقوق ارتفاقی ونیزصاحبان املاک که درموقع مقررحاضرنبوده اند مطابق ماده۲۰قانون ثبت فقط تا۳۰روزازتاریخ تحدیدحدودپذیرفته خواهدشدودراجرای تبصره۲ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی معترضین میبایست ازتاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یکماه دادخواست اعتراض خودرابه مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم وگواهی لازم ازمرجع مذکوراخذ وبه این اداره تسلیم نمایند.
(م الف ۳۰۳/۱۰۰/۹۸) تاریخ انتشار:شنبه ۱۳۹۸/۰۶/۲۳
علی آب باریکی-رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار
ش/۹۸۰۷۹۴۱۸

م/۹۸۰۷۱۹۷۷